



شنبه، ۲۶ مارچ ۲۰۲۲

حامد نوید

نگاه گذرایی به تاریخچه تقویم خورشیدی

این مضمون را پارسال به مناسبت حلول سال ۱۴۰۰ هجری شمسی نوشته بودم. خواستم آنرا با دوستان شریک سازم. اکنون سال ۱۴۰۱ هجری شمسی است. خداوند این سال را برای تمام هموطنان گرامی و میهن عزیز ما سالی پر از برکت، سعادت و صفا داشته باشد.

سال نو خورشیدی، طبق تقویم جلالی، از اولین روز بهار در نیم کره شمالی آغاز می شود، که مطابق با روز ۲۱ مارچ در تقویم میلادی است. مبدأ تقویم جلالی از سال هجرت پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص) و پیروانش از مکه به مدینه که مطابق به سال ۶۲۱ میلادی اتفاق افتاد آغاز می شود. بنا براسناد و شواهد تاریخی این تقویم بطور رسمی توسط جلال الدوله ملک شاه سلجوقی در سال ۱۰۰۴ م تصویب شد و به اسم وی، به نام تقویم جلالی نامگذاری گردید. این تقویم به مشوره خواجه نظام الملک وزیر دانشمند ملک شاه سلجوقی توسط ریاضی دانان امپراتوری وسیع اش که از ماوراءالنهر و خراسان تا سواحل دجله گسترده بود تحت نظارت ابوالفتح عبدالرحمان منصور خازنی در ۳ رمضان سال ۴۷۱ هجری قمری تدوین شد. حکیم عمر خیام، ابوحاتم مظفر اسفزاری، ابوالعباس لوگری، محمد بن احمد معموری، میمون بن نجیب واسطی و ابن کوشک بیهقی مباهی دانشمندانی بودند که در تدوین این تقویم خورشیدی سهم عمده ای داشتند.

درجهانی که ما زندگی میکنیم تعیین ایام در ظرف یکسال و تقسیم آن به ۱۲ ماه، ۵۲ هفته و ۳۶۵ روز در ظرف یکسال از زمانه های باستان تا عصر حاضر به دو طریقه، یعنی محاسبه گردش سیاره ماه بدور کره زمین و یا گردش کره زمین بدور آفتاب تعیین گردیده است. ازینرو برای سنجش ایام به دو طریق بر میخوریم، تقویم قمری و تقویم شمسی که همه با آن آشنایی داریم. تاجیکه بررسی های تاریخی نشان میدهد، کهن ترین تقویم قمری در عصر صیقل سنگ درحوالی ۷۰۰۰ سال پیش

در سکاتلند معمول بود، و سپس در مصر باستان، یونان قدیم، بین النهرین، چین و هند در عصر فلزات و آغاز مدنیت شهری درحوالی ۵۰۰۰ سال پیش مورد استفاده قرار گرفت که از همین عصر علم نجوم پا به عرصه وجود گذاشته است.

مطالعات تاریخی نشاندهنده آنست که درین عصر تقویم خورشیدی نیز در برخی از نقاط جهان استخراج گردیده و تا اندازه ای مورد استفاده قرار داشت. منجمین مصری نخستین کسانی بودند که از روی محاسبه ساعات شب و روز و تعیین موقعیت ستاره گان تقویم خورشیدی را کشف کردند. از قرار معلوم در همین آوان مردمانیکه بنام آره گان (دهقانان نخستین) یا آریا ها یاد میشدند نیز با این تقویم آشنایی داشته اند. ازینرو اولین روزسال با اولین روزبهار در ساحه وسیعی یعنی از حوزه فرهنگی آکسوس یا «آمو دریا Oxus Cultural Complex» تا دامنه های کوه قفقاز تجلیل میگردید. در یونان باستان آناکسیماندر Anaximander - فیلسوف قرن ششم ق.م. یونان استاد فیثاغورث تقویم خورشیدی را بشکل پیشرفته تری ارائه کرد، و پس ازدوره فتوحات اسکندر مقدونی استفاده از تقویم خورشیدی در قرن سوم ق.م. در تمدن یونان و روم باستان (Greco-Roman Civilization) گسترش بیشتری پیدا نمود.

البته در هر فرهنگ و مدنیته تقویم های ساخته دست بشر مبدأ و آغازی دارد و این سرآغاز به اساس مهمترین حادثه تاریخی ایکه برای مردم و یا صاحبان قدرت در تمدنی اهمیت داشته باشد تعیین میگردد. بطور مثال کنیشکا شاهنشاه مقتدر کوشانی برخاسته از افغانستان کنونی، چنانچه درکتیبه معروف رباطک درج است، سال اول پادشاهی اش را بنام سال اول آریا اعلام نموده است؛ وبهین گونه رومن ها آغاز سال مسیحی را به اساس عنعنات پیشین اول جنوری تعیین نمودند که درحقیقت مصادف به فتح مصر بدست جولیس سزار قیصر روم بود وبه آئین مسیحیت ارتباط چندانی نداشت. این تقویم بنام تقویم جولین Calendar Julian - معروف بود و در کشورهای غربی برای چندین سده رواج داشت، تا اینکه درسال ۱۵۸۲ پاپ گریگوری سیزدهم بنا بر دلایل دینی درین تقویم تعدیلاتی را وارد کرد و این شمارش ایام که جنبه دینی بیشتری داشت بنام تقویم گریگوری Gregorian Calendar معروف گردید که مبدای آن میلاد حضرت مسیح میباشد. تقویم گریگوری تا امروز در سراسر کشور های غربی معمول است و بنام تقویم میلادی و یا عیسوی یاد میگردد.

اما مبدای تقویم های هجری قمری و هجری شمسی دربلاد اسلامی از تاریخ هجرت پیامبر اسلام حضرت محمد «ص» و یارانش از شهر مکه به یثرب (مدینه منوره) که مطابق به سال ۶۲۱ میلادی

اتفاق افتاد آغاز میگردد. در دوره های نخستین گسترش دین اسلام در عهد خلفای راشدین، دوره خلافت اموی ها و خلفای عباسی تقویم قمری بیشتر معمول بود که تا کنون در عربستان سعودی بحیث تقویم رسمی شناخته شده و در پهلوی آن ماه های شمسی نگاشته میشود. گرچه در عهد خلافت هارون الرشید خلیفه مقتدر عباسی با اقتدار رسیدن خانواده دانشمند برمکیان بلخ تقویم خورشیدی که در بلخ باستان معمول بود در بغداد نیز معرفی گردید، اما با از بین رفتن آنها به امر هارون الرشید این تقویم از رسمیت بازماند.

چنانچه میدانیم تقویم خورشیدی در هنگام اعتدال بهاری یعنی اول حمل یا (نوروز) آغاز میگردد. بنا بر مندرجات اوستا در عهد ویشناسب شاه بلخ جشنهایی به استقبال فرا رسیدن بهار و تجلیل از تخت نشینی یما نخستین شاه سلسله پیشدادیان بلخ برگزار میشد، اما اینکه این جشن ها در آن زمان بنام «نوروز» یاد میگردیده سندی در دست نیست. زیرا به اساس تحقیق در زند اوستایی که بزبان پهلوی نگارش یافته گاهنبار (پیدایش خلقت) شامل شش روزی است که جهان درین شش روز آفریده شده و بنا بر عقاید این آئین روز میدیوزریم روز اول سال و آفرینش «آسمان» است. میدیوشیم، پینه شهیم، آیاسرم، میدیارم، همسپتمدم به ترتیب روز های پیدایش آب، زمین، گیاهان، جانوران و انسان درین آئین میباشد. بدیهیست که این نامهای کهن با کلمه «نوروز» شباهت ریشه ئی ندارند. ازینرو این که عده ای ادعا دارند که برگزاری نوروز یک رسم آیین زردشتی است و مسلمانان نباید این روز را تجلیل کنند سخن مقرون به حقیقت نیست زیرا تقویم خورشیدی قبل از ظهور زردشت وجود داشت و هیچ سندی در دست نیست که این تقویم را زردشت ابداع نموده باشد. زیرا روز (میدیوزریم) که در «زند» آمده هیچگونه شباهتی با اصطلاح «نوروز» ندارد. پس باید دید که نزدیک ترین اصطلاح باستانی با کلمه «نوروز» کدام اصطلاح کهن میباشد؟

به عقیده برخی از دانشمندان کلمه - Nava Vihāra ناوا ویهاره «اسم باستانی معبد نوبهار بلخ» ارتباط بیشتری با روز آغاز بهار یا «نوروز» دارد. زیرا ناوا ویهاره متشکل از دو کلمه، «ناوا» به معنی نو و «ویهاره» بمعنی ورودگاه در زبانهای هندو آریایی سانسیکریت و باختری کهن میباشد و از آنجاییکه فصل بهار ورودگاه یکسال خورشیدی بشمار میرود، اصطلاح نوبهار رویکار آمده که مترادف با اصطلاح نوروز است.

ازینجهت کلمه نو بهار در ادبیات دری قرون وسطی تجلی گسترده داشته و شاعران بزرگ متقدم مانند عنصری، فرخی و ارزق هروی شاعر دوره سلجوقیان در وصف آن ابیاتی دارند، چنانچه فرخی شاعر دربار غزنه در وصف این جایگاه چنین گفته است :

مرحبا ای بلخ بامی همره باد بهار از در نوشاد رفتی یا زباغ نوبهار
ای خوشا آن نوبهار خرم نوشاد بلخ خاصه اکنون کز در بلخ اندرون آمد بهار

معبد نوبهار درب ورودی ای بنام نوشاد داشت که فرخی بدان اشاره نموده و از قرار معلوم از ازشکوهندی خاصی برخوردار بوده است. نظر به بررسی های پژوهشگران معاصر ایران، کلمه «ویهاره» به معنی بهار در کتیبه های عصر هخامنشی نیز نگاشته شده، اما در عصرکوشانی اصطلاح «ویهاره» در ادبیات بودایی بیشتر به مفهوم جایگاه، خانه اصنام، و «ورودگاه» اطلاق میگردد که همانا واژه ویهارا به معنی بهار، ورودگاه یکسال خورشیدی را نیز ارائه میدارد.

بصورت عمومی کلمه نوروژ چنانچه از اشعار سخنوران سده های چهارم و پنجم هجری پیداست در ادوار اسلامی مروج بوده است. مراسم نوروژ در عصر فرمانروایی سامانیان برخاسته از بلخ و در عهد سلطنت غزنویان در اکثر شهر های باستانی افغانستان آنوقت، بخارای قدیم و مرو و نیشاپور که شامل ساحه اقتدار امپراتوری های بزرگ غزنویان و غوریان بود بصورت گسترده ای تجلیل میگردد چنانچه فرخی شاعر دربار محمود غزنوی در وصف نوروژ چنین گوید:

ز باغ ای باغبان ما را همی بوی بهار آید کلید باغ ما را ده که فردا مان به کار آید
کلید باغ را فردا هزاران خواستار آید تو لختی صبر کن چندان که قمری بر چنار آید
چو اندر باغ تو بلبل به دیدار بهار آید تو را مهمان ناخوانده به روزی صد هزار آید
کنون گر گلبنی را پنج شش گل در شمار آید چنان دانی که هر کس را همی زو بوی یار آید
بهار امسال پنداری همی خوش تر ز یار آید وزین خوش تر شود فردا که خسرو از شکار آید
بدین شایستگی جشنی، بدین بایستگی روزی ملک را در جهان هر روز جشنی باد و نوروژی

البته این سروده فرخی مطول است و درینجا فقط به ذکر یک بند آن اکتفا گردید.

در دوره اقتدار سلاطین سلجوقی که پس از تزیف تدریجی سلاطین غزنوی و توجه شاهان غوری به فتح هند در قرن دوازدهم میلادی بر اقتدارشان افزوده شد، و از ماورالنهر بر ساحه وسیعی از بلاد اسلامی حکمرایی نمودند، ملکشاه سلجوقی ملقب به جلال الدوله تصمیم گرفت تا تقویم هجری شمسی در عهد سلطنت وی تنظیم و تسجیل شود. ازینرو از سراسر امپراتوری وسیع خود دانشمندی را که در علم نجوم و ریاضیات تخصصی داشتند فرا خواند تا این تقویم را ترتیب دهند.

در آغاز سده بیستم افغانستان نخستین کشوری بود که در سال ۱۹۲۲ میلادی در عهد زمامداری شاه امان الله تقویم هجری شمسی را بصورت رسمی پذیرفت و سپس ایران در سال ۱۹۲۵ این تقویم را بصورت رسمی مورد استفاده قرار داد .

در تقویم رسمی افغانستان در کنار ماه های شمسی ماه های قمری نیز برای بزرگداشت از اعیاد، مراسم مذهبی و حرمتگزاری به واقعات تاریخی دین اسلام نگاشته میشود. تجلیل از نوروز در تقویم افغانستان اول حمل سال شمسی و در تقویم ایران اول فروردین می باشد. مراسم نوروز نه تنها در ایران و افغانستان، بلکه بالغ بر ۱۲ کشور جهان، مانند، تاجکستان، ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، قرغزستان، ترکیه، عراق، کوسوو شمال پاکستان وحتا بخشهایی از مغلستان تجلیل میگردد، اما باز هم نویسندگان کشور همسایه ما ایران تنها جشن نوروز را یک جشن ایرانی مربوط به فارس قدیم میپندارند و این ادعا به مثابه آنست که ایتالیایی ها به دلیل اینکه تقویم های جولین و گریگورین در آنکشور تنظیم یافته سال نوعیسوی را سال نو ایتالیایی خطاب کنند و کشور های دیگری را که سال نو میلادی را جشن میگیرند بخشی از مستملکات روم باستان بشمارند. در حالیکه کشور ایران کنونی مانند بسی کشور های منطقه چون عراق، سوریه، فلسطین، ترکیه، کشور های آسیای مرکزی و افغانستان دارای تاریخ کهن و غنامندی هستند اما یگانه سرزمینی نمیباشند که مبدای تمام ابداعات جهان باستان بشمار آید .

البته هر کشوری حق دارد تا در راه معرفی تاریخ و فرهنگ ملی خویش کوشا باشد، اما باحفظ حرمت به حقوق فرهنگی و هویت ملی دیگران. در جهان امروز که بنا بر منشور سازمان جهانی ملل متحد حقوق فرهنگی تمام ممالک عضو این سازمان قابل احترام است روحیه همکاری های فرهنگی باعث نزدیکی ملل جهان و زندگانی صلح جویانه به سطح جهانی میگردد، نه، دیدگاه های برتری جویانه آغاز سده بیستم که منجر به دو جنگ مدهش جهانی گردید ؛ صلح موجب پیشرفت و رفاه انسان است و با شرح این مطلب سال نو ۱۴۰۱ خورشیدی را به تمام مردمانی که این روز را به تهنیت می نشینند تیریک میگویم .

با ابراز مهر حامد نوید